

متن پرسش

سلام: نظر شما درباره این حرف استاد حجت الاسلام دکتر سیدمصطفی محقق داماد چیست؟ رهبری سیاسی پیامبر (ص) در خصوص زندگی دنیوی مردم به هیچ وجه جنبه قدسی ندارد و بخشی از رسالت و ماموریت وی نیست. مردمی بودن پیامبر اسلام موجب آن شد که قدرت دنیوی در اسلام مردمی شود و به هیچ وجه قدرت آسمانی و الهی شکل نگیرد. تشکیل رهبری اجتماعی و سیاسی پیامبر به موجب آنچه در منابع اسلامی آمده، کاملاً مردمی و بشری است و بر پایه نهادها و اصول بسیار مهمی استوار شده که در درون تعلیمات اسلامی وجود دارد. اصول بنیادین تعلیمات اسلامی موجب آن شد که قدرتی که توسط خود رسول الله (ص) شکل گرفت بر نهادهای دنیوی استوار بود و به هیچ وجه شکل آسمانی نداشت. نهادهای زیر برخی از آنهاست: ۱. حاکمیت امت ۲. مسئولیت نسبت سرنوشت ۳. بیعت □ ۴. شورا □ ۵. امر به معروف و نهی از منکر بیعت، وسیله‌ای است برای انشاء ولایت، که پس از تحقق رضا و توافق انجام می‌گیرد. و به تعبیر دیگر یک توافق و تراضی طرفینی است. هر کس می‌تواند از رهگذر بیعت در فعالیت های سیاسی وارد گردد و در ساختار جامعه‌ای که زندگی می‌کند سهمیم باشد. □ خداوند از مومنان، هنگامی که با تو در زیر درخت بیعت کردند خشنود شد و دانست آنچه در دل آنهاست، پس آرامش را بر آنان فرستاد. « (فتح/۱۸) □ آیه فوق در سال ششم هجری به مناسبت بیعت جمعی از صحابه با پیامبر (ص) نازل شده است. □ استفاد از آیه فوق آن است که رهبری سیاسی پیامبر (ص) در خصوص زندگی دنیوی مردم به هیچ وجه جنبه قدسی ندارد و بخشی از رسالت و ماموریت وی نیست و کاملاً پیداست که کشور داری و مدیریت دنیوی مردم نه تنها از حوزه رسالت و پیامبری که کاملاً قدسی و الهی است و مردم را در آن راهی نیست، خارج است. رهبری سیاسی تا آنجا که مربوط به اجراییات و دستورات عملی و انتظامی روزمره مردم است، از طریق انتخاب و بیعت خود مردم شکل می‌گیرد و البته مورد رضایت خداوند واقع می‌شود. و به دیگر سخن خداوند همین روند را توصیه و امضا فرموده است و به اطاعت رسول و اولوالامر امر کرده است. ولی اعلام رضایت و توشیح و حتی دستور خداوند به اطاعت از پیامبر در امور اجتماعی و دنیوی موجب تغییر و تبدیل به یک قدرت الهی و آسمانی برای اداره مردم نگشت. □ بیعت مردم با پیامبر (ص) به این معنی بود که آنان شخصیتی را که در امر رسالت جنبه آسمانی، قدسی و وحیانی دارد، برای یک امر عرفی دنیوی و زمینی انتخاب کرده‌اند و به هیچ وجه چنین تلقی نشد که چون پیامبر، در سمت پیامبری ماموریتی آسمانی انجام می‌دهد، بنابراین هویت قدرت تغییر یافته و حاکمیتی آسمانی شکل گرفته است. برگرفته از مقاله «قدرت مشروع در حقوق عمومی اسلامی.» با تشکر. عذر خواهی می‌کنم

با مشکلاتی که در دفعات قبلی برای ارسال اصل مقاله پیش آمد. سپاس گزارم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این مورد به طور مفصل بحث شده است. حضرت امام در کتاب «ولایت فقیه» دلایلی می‌آورند که نتیجه‌ی آن این می‌شود که سیاست، عین دیانت است و به اصطلاح، ولایت الهی، تمام شئون انسان را در بر می‌گیرد و به همان دلیل که خداوند جهت امور اجتماعی هم دستورات و احکامی دارد چگونه می‌توان گفت مأموریت پیامبر در امور اجتماعی و سیاسی نیست. اتفاقاً به آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی فتح که استناد کرده‌اند بحث بیعت با پیامبر برای جنگ با حاکمان مکه می‌باشد که مانع تحقق اعمال حج در آن سال شدند. و این نشان می‌دهد جهت تحقق دین باید در سیاست نیز وارد شد، وگرنه این سیاستمدارانند که تکلیف دین را تعیین می‌کنند. ابداً از آقای محقق داماد چنین انتظاری نمی‌رفت که آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی فتح که موضوع فنای مؤمنین در اراده‌ی رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» می‌باشد را تا این اندازه تقلیل دهند. موفق باشید